

## رها شده در غبار

در یادداشت "رها شده در غبار" از شماره ۵۳۶ روزنامه نقد حال آمده است:

پائیز و زمستان در ایران همیشه موسم آلودگی هوا بوده است. در گذشته‌های دور، زمان خشک‌سالی‌ها، منابع آب‌های سطحی در منطقه خشک می‌شدند و سرچشمه گردوغبار بودند.

همیشه در خاطرات اهالی غرب و شرق کشور، گردوغبار جایی داشته است. اما امروز، تا ۵۰ چشمه عظیم تولید ریزگرد در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه، اردن، عربستان و حتی یمن، ریزگردها افزایش چشمگیری یافته که به سبب تغییرات اقلیمی ناشی از گرم شدن کره‌زمین، دست‌اندازی و سوءاستفاده کشورها از آب‌های سطحی و ایجاد سدهای مختلف، مصرف بیش از حد و اندازه از آب‌های زیرسطحی و فرونشست‌های زمین و ... است. تمامی ریزگردهای حاصل از موارد ذکر شده در کشورهای منطقه و ایران با عبور از آسمان غرب ایران، بخصوص استان خوزستان اسباب آلودگی هوا می‌شوند.

هر چند دود و دم کارخانجات، چاه‌های نفت، وسایل نقلیه فرسوده و موتورهای قدیمی خودروهای تولیدی ایران آلودگی را مضاعف می‌کنند و در فصل سرما "وارونگی" را برای هوا رقم می‌زنند.

با آن که راه‌حلهایی هم برای این وضعیت توصیه شده که برای شرایط اورژانسی و فوری، مالچ‌پاشی را کارشناسان پیشنهاد می‌کنند. البته مالچ پاشی میلیون‌ها هکتار چشمه‌ی تولید ریزگرد در عراق و سوریه و ترکیه، هزینه‌های بسیار زیادی دارد که اساساً در توان دولت نیست و تامین شدنی هم نیست و این درحالی است که جنگ و درگیری‌های داخلی عراق و سوریه مانعی جدی برای نپرداختن به موضوع گردوغبار در این کشورهاست.

هر هکتار جنگل، حدود ۷ تن ریزگرد را جذب می‌کند و در واقع به جای افزایش پوشش گیاهی منطقه و ایجاد جنگل‌های تازه، جنگل‌های طبیعی منطقه به دلیل سوءبرداشت و سوءرفتار در حال نابودی هستند.

اگر از همین امروز برای ایجاد جنگل‌های جدید شروع کنیم، ایجاد جنگل‌های جدید حدود ۱۵ سال زمان نیاز دارند که البته در چند سال گذشته، طرح کاشت درخت، شروع شده است.

ولی سرعت افزایش ریزگردها، بسیار بیشتر از سرعت نهال‌کاری‌هاست و مدام چشمه‌های ایجاد ریزگردها بخصوص در عراق، سوریه و ایران در حال افزایش هستند و خطر ایجاد منبع دیگری از ریزگردهای شور یعنی دریاچه ارومیه بشدت قابل پیش‌بینی و صدالبته قابل پیش‌گیری است.

برای نجات و خلاصی نباید چشم همه مردم به دولت باشد، مردمی که زمین کشاورزی خود را به زارعان دیگر استان‌ها اجاره می‌دهند و آن‌ها هم با آب چاه، برنج کشت می‌کنند و آن‌ها که هزاران چاه با مجوز و بی مجوز حفر کرده و آن‌ها که جنگل‌ها را به نابودی کشانده، آن‌ها که هورالعظیم و هورالهویزه را به نابودی و مرگ برده‌اند و آن‌ها که احتضار دریاچه ارومیه را نگاه می‌کنند. همه مقصرند! حتی کسانی که یک لیوان آب اضافه مصرف می‌کنند در وضعیت موجود به اندازه سهم‌شان تقصیر دارند.

مرجع: روزنامه نقد حال - شماره ۵۳۶